

به نام خدا

حجت های الهی از منظر قرآن

مؤلف :

مریم جلالی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: جلالی، مریم، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: حجت‌های الهی از منظر قرآن / مولف مریم جلالی.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۸۱ص.

شابک: ۹-۵۴۹-۳۳۹-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۳ - ۱۸۱.

موضوع: خداشناسی (اسلام)

امامت

خدا -- اثبات

رده بندی کنگره: BP۲۱۷/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۸۲۲۸۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

God (Islam) -- Knowableness

Imamate

God -- Proof

نام کتاب: حجت‌های الهی از منظر قرآن

مولف: مریم جلالی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زیرجد

قیمت: ۱۴۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹-۵۴۹-۳۳۹-۶۲۲-۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ارسطو
Chaponashr.ir

پاسکزاری؛

شاهین ملکوت تفکر من برای ستایش ایزد منان و نیایش به درگاه سبحان در قفس کلام بال‌های خود را می‌گشاید اما پرواز نتوان کرد. نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار با زبانی ناتوان و حالتی پر خضوع به درگاه حی لایزال و ایزد متعال سپاس نعمت می‌گویم که مرا در تمام مراحل انجام این پژوهش یاری نمود و توانایی به اتمام رساندن آن را به من عنایت فرمود.

به یاد پدرم، که چون شقایق داغ نبودش را بر سینه دارم...

تقدیم به مادرم که پیمانه عمرم لبریز از صفا و صمیمیت و مهربانی اوست...

تقدیم به همسرم که همواره مشوق و حامی من بوده است...

فهرست مطالب

۱۱ فصل اول
۱۱ کلیات پژوهش
۱۴ اهمیت موضوع
۱۵ حجت
۱۶ اقسام و انواع حجت های الهی
۱۷ رسول
۱۸ نبی
۱۹ امام
۱۹ امامت در لغت
۲۰ امامت در اصطلاح
۲۰ امامت در اصطلاح اهل سنت
۲۱ امامت در اصطلاح شیعه
۲۲ هدایت
۲۲ انذار و تبشیر
۲۳ تزکیه و تربیت
۲۴ تذکر
۲۵ فصل دوم
۲۵ انسان و نیاز به حجت الهی
۲۶ بخش اول: انسان شناسی
۲۶ اهمیت انسان شناسی:

۳۰ دانش محدود بشری
۳۲ ابزارهای شناخت انسان:
۳۲ احساس و تجربه
۳۵ عقل و خرد
۴۰ تاریخ و آثار تاریخی
۴۲ فطرت و وجدان و شعور باطن
۴۶ وحی آسمانی
۴۸ انسان و آموزه های وحیانی
۵۱ بخش دوم: غایت شناسی
۵۴ اهداف آفرینش انسان
۵۴ اظهار صفات الهی همچون حکمت ، ربوبیت، علم و قدرت
۵۵ آزمون انسان
۵۷ پرستش و بندگی خدا
۵۹ دستیابی به رحمت بی پایان الهی
۶۱ بخش سوم: نیاز به حجت خدا
۶۸ بخش چهارم: خاتمیت
۷۱ ادله خاتمیت
۷۵ علل ختم نبوت
۷۸ بخش ششم: نگاه حجت های الهی به زندگی دنیوی و اخروی
۸۰ اقسام زندگی دنیا
۸۳ تعادل در قرآن و سنت
۸۶ قرآن و دنیا:
۸۷ فصل سوم

۸۷ جایگاه حجت خدا در شئون زندگی انسان
۸۸ بخش اول:وظایف حجت های الهی
۸۸ وظایف حجت های الهی در حوزه عقاید و معارف
۸۹ هدایت
۹۰ هدایت و راهیابی از طریق الگوها
۹۲ هدایت مستمر پیامبران
۹۳ پیامبران و هدایت خاص
۹۵ انواع هدایت
۹۷ اقسام هدایت تشریحی خداوند
۱۰۳ انذار و تبشیر
۱۰۵ رابطه بشارت و انذار
۱۰۶ روش تربیتی تبشیر و انذار:
۱۰۹ برداشت های تعلیم و تربیتی از انذار و تبشیر
۱۱۰ فلسفه تعلیم و تربیت انسان ها توسط حجت های الهی در بیان قرآن
۱۱۳ تأثیر حجت های الهی در تعلیم و پرورش رهبران
۱۱۵ وظایف حجت های الهی در حوزه فقه و رفتار
۱۱۶ اجراء عدالت اجتماعی
۱۱۶ اهمیت و جایگاه عدالت اجتماعی
۱۲۰ عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی
۱۲۲ اقامه قسط و عدل
۱۲۴ تفاوت قسط و عدل
۱۲۵ عدالت اجتماعی وسیله دستیابی به عبودیت
۱۲۶ آثار و نتایج عدالت اجتماعی
۱۲۷ تشکیل حکومت

۱۲۷.....	لزوم بعثت انبیاء در جهت احیای حیات اجتماعی بشر
۱۲۹.....	نظام حکومت انبیاء
۱۳۱.....	زعامت و رهبری سیاسی و حکومتی پیامبر در جامعه
۱۳۶.....	قضاوت و دادگری
۱۳۹.....	منصب داران قضاوت
۱۴۳.....	فصل چهارم
۱۴۳.....	آثار کارکردهای حجت های الهی در زندگی انسان
۱۴۴.....	آثار حجت های الهی در حوزه تزکیه و اخلاق
۱۴۸.....	زمینه های فراهم شدن تربیت و تزکیه انسان ها
۱۵۰.....	علت تقدم و تأخر تزکیه بر تعلیم
۱۵۱.....	تزکیه در استعمالات قرآنی
۱۵۳.....	تذکر
۱۵۳.....	تذکر در قرآن
۱۵۵.....	آزادسازی انسانها از غل و زنجیر
۱۵۷.....	معنای «إصر» و «أغلال»
۱۵۸.....	خرافه ها و بدعت ها
۱۵۸.....	مبارزه فرهنگی پیامبران با خرافات و تطیر
۱۵۹.....	مبارزه با بدعت ها درباره حیوانات
۱۶۱.....	وظایف و نقشها به مقطعی و دائمی حجت های الهی
۱۶۵.....	آثار رسالت حجت های الهی
۱۶۵.....	ریشه کنی بت پرستی؛
۱۶۷.....	برهم زدن سنت های غلط جاهلی؛
۱۶۷.....	تشکیل حکومت دینی؛

۱۶۹	مدیریت حکومت؛
۱۶۹	پرورش انسان هایی با روحیه و تفکر بالا؛
۱۶۹	تزریق فضایل اخلاقی در جامعه؛
۱۷۰	تعیین معارف الهی و وحیانی به مردم؛
۱۷۰	تزریق روحیه شجاعت در بین مردم؛
۱۷۳	فهرست منابع

فصل اول

کلیات

مقدمه

در این فصل در صدد آن هستیم با بیان مسأله تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق، پیشینه تحقیق، سؤال های تحقیق، فرضیه تحقیق، روش تحقیق و تعریف مصطلحات، کلیاتی را در مورد تحقیق و پژوهش پیرامون «نقش و کارکرد حجت الهی در زندگی انسان» فراروی خوانندگان محترم قرار دهیم.

«حجت» از ریشه «حج» مشتق شده است به معنای قصد. «به حج خانه خدا هم که حج گفته می شود بدین مناسبت است که قصد به خانه خدا برای انجام مناسک در آن ملحوظ شده است. بنابراین حجت از آنجاکه مورد قصد است و با آن می توان به حق مطلوب رسید برگرفته از همین معناست.^۱»

«حجت دلالتی است روشن بر اساس راه مستقیم با قصد و هدف مستقیم و چیزی که بر صحت و درستی یکی از دو نقیض اقتضاء و حکم می کند. خدای تعالی می فرماید: «لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا^۲»؛ که در آیه اخیر احتجاج و دلیل آوردن ستمگران را علیه مؤمنین مستثنی از حجت و دلیل قرار داده است و اشاره است بر اینکه سخن و حجت آنها اصولاً حجت نیست.^۳»

قرآن کریم می فرماید:^۴

«قل فله الحجة البالغة^۵؛ بگو برای خدا دلیل رسا و قاطع است». «حجت بالغه» یعنی دلایل خداوند برای بشر بسیار روشن و رساست به گونه ای که جای هیچگونه تردید برای افراد باقی

۱. ابن فارس أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج اول، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰.

۲. بقره: ۱۵۰.

۳. راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ج اول، دار القلم- الدار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۹.

۵. انعام: ۱۴۹.

نمی گذارد. «از امام صادق(ع) سؤال شد معنای آیه چیست؟ حضرت فرمود: خداوند در روز رستاخیز به بنده خویش می گوید بنده من آیا می دانستی و گناه کردی؟ اگر بگوید آری می فرماید چرا به آن چه می دانستی عمل نکردی و اگر بگوید نمی دانستم می گوید چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ در این موقع فرد می ماند این همان حجت بالغه است.^۱» در زبان فارسی هم این واژه به این معنا تفسیر شده که: آنچه با آن بتوان ادعائی را اثبات کرد، دلیل، برهان.^۲ خداوند برای انسان دو حجت قرار داده است یکی حجت باطنی است که همان عقل است که او را دعوت به اطاعت از خداوند و بندگی می نماید و حجت دوم انبیاء و رسل و امامان آنها هستند. حضرت امام کاظم(ع) فرمودند:

«یا هشام ان لله علی الناس حجّتين حجّة ظاهرة و حجّة باطنه فاما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمه و اما الباطنة فالعقول^۳» ای هشام خدا بر مردم دو حجت دارد حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امامانند و حجت پنهان عقلهای آنهاست.

به عبارتی می توان حجت های الهی را از نقطه نظری به دو قسم تقسیم کرد: حجت های تکوینی و حجت های تشریحی. حجت های تکوینی نیز به دو قسم تقسیم می شوند. حجت های عمومی و حجت های خصوصی. حجت های عمومی تمام کائنات و موجودات عالم را شامل می شود. مهم ترین حجت خصوصی که تمام حجت های دیگر را نیز شامل می شود عقل است.

حجت های تشریحی نیز شامل انبیا و ائمه (علیهم السلام) و کتب آسمانی است.

^۱ . عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چ چهارم، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۷۶.

^۲ . دهخدا علی اکبر، لغت نامه دهخدا، بی جا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۱ش، ذیل مدخل حجت.

^۳ . کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی (ط-الاسلامیه)، چ چهارم، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶.

پیامبران و اوصیای آن‌ها از این جهت حجت نامیده شده‌اند که خداوند به وجود آن‌ها بر بندگان خود احتجاج کند و نیز از این جهت که آنها دلیلند بر وجود خدا و گفتار و کردارشان دلیل است بر نیاز مردم به قانون آسمانی.^۱

لذا با تأمل در زندگی انسان درمی یابیم که زندگی انسان فرادنیایی است. بدین معنا که بر انسان‌ها مقدر شده که به این دنیا آمده و توشه ای برای عالم آخرت برگیرند. طبیعتاً انسان نیازمند راهنمایی از جانب خداوند است تا بوسیله مدیریت مناسب آنها در ابعاد زندگی انسان، بتواند در مسیر صحیح که همان قرب به خداست قرار گیرد. و ما در این پژوهش، به نقش و کارکرد حجت های الهی در زندگی انسان از دیدگاه قرآن کریم می پردازیم. چراکه قرآن کریم بعنوان منبع اصلی دین مقدس اسلام از زوایای مختلف به نقش و تأثیر گذاری انبیا و اوصیا در زندگی انسان پرداخته است.

مقصود ما از حجت های الهی، حجت های معصوم و مطلق که شامل پیامبران و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) هستند، می باشد. و دیگر آنکه حجت هایی که نقش تشریحی ایفا می کنند؛ نه نقش تکوینی. بعنوان مثال؛ ائمه می توانند هدایت تکوینی داشته باشند و با یک نگاه انسان‌ها را متحول کنند، اما اینگونه هدایت مراد ما نیست. بنابراین ما در این پژوهش به بررسی نقش و کارکردهای تشریحی حجت های مطلق و معصوم می پردازیم. منبع اصلی ما در این پژوهش، قرآن است و قرآن هدایت تشریحی را در سه فضای عقاید و معارف، فقه و رفتار و تزکیه و اخلاق بیان کرده است.

اهمیت موضوع

یکی از مبانی اساسی امامت و ولایت، اعتقاد به ضرورت وجود حجت الهی در هر عصر است. بر اساس این اعتقاد، خداوند از ابتدای آفرینش تا روز قیامت همواره انسان‌های شایسته‌ای را به عنوان حجت‌های خود بر مردم برگزیده است و انسان‌ها هیچ‌گاه بی نیاز از این حجت‌ها

^۱. حسینی دشتی سید مصطفی، معارف و معاریف، ج اول، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۹ش، ج ۶، ص ۹۰.

نمی‌شوند. البته حجت‌های الهی همواره ظاهر و آشکار نیستند و چه بسا که در برخی دوره‌ها، بر اساس مصالح و حکمت‌هایی، از دیدگان مردم پنهان شوند.

انسان موجودی هدفمند است و هدف او براساس آیات الهی وصول به ساحت قدس حضرت حق و لقاء الی الله می باشد. طبیعتاً اینکه انسان بتواند در مسیر صحیحی قرار گیرد تا به هدف متعالی از خلقت خود دست یابد، اصلی ترین اولویت انسان است. بنابراین انسان نیازمند راهنمایی از طرف خداست که بتواند زندگی وی را در مسیر صحیح که قرب به خدا و حرکت در مسیر تعالی است مدیریت کنند. اما اینکه حجت الهی چه تأثیری در زندگی انسان و در رسیدن او به اهدافش خواهد داشت و همچنین اینکه آیا حجت آسمانی حضور مقطعی در زندگی انسان دارد یا دائمی، مسئله ایست که در این تحقیق با دقت در آیات مشتمل بر اهداف و وظایف و کارکرد حجت الهی و بهره گیری از تفاسیر و کتب تخصصی قصد بررسی آن را داریم.

حجت

«حجت» از ریشه «حج» مشتق شده است به معنای قصد. «به حج خانه خدا هم که حج گفته می شود بدین مناسبت است که قصد به خانه خدا برای انجام مناسک در آن ملحوظ شده است. بنابراین حجت از آنجاکه مورد قصد است و با آن می توان به حق مطلوب رسید برگرفته از همین معناست.^۱»

«حجت دلالتی است روشن بر اساس راه مستقیم با قصد و هدف مستقیم و چیزی که بر صحت و درستی یکی از دو نقیض اقتضاء و حکم می کند. خدای تعالی می فرماید: «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ سَأَلْتَهُ الظَّالِمِينَ»؛ که در آیه اخیر احتجاج و دلیل آوردن ستمگران را علیه مؤمنین

۱. ابن فارس أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج اول، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰.

۲. بقره: ۱۵۰.

مستثنی از حجّت و دلیل قرار داده است و اشاره است بر اینکه سخن و حجّت آنها اصولاً حجّت نیست.^۱»

قرآن کریم می فرماید:

«قل لله الحجة البالغة^۲؛ بگو برای خدا دلیل رسا و قاطع است». «حجت بالغه» یعنی دلایل خداوند برای بشر بسیار روشن و رساست به گونه ای که جای هیچگونه تردید برای افراد باقی نمی گذارد. «از امام صادق(ع) سؤال شد معنای آیه چیست؟ حضرت فرمود: خداوند در روز رستاخیز به بنده خویش می گوید بنده من آیا می دانستی و گناه کردی؟ اگر بگوید آری می فرماید چرا به آن چه می دانستی عمل نکردی و اگر بگوید نمی دانستم می گوید چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ در این موقع فرد می ماند این همان حجت بالغه است.^۳» در زبان فارسی هم این واژه به این معنا تفسیر شده که: آنچه با آن بتوان ادعائی را اثبات کرد، دلیل، برهان.^۴

اقسام و انواع حجت های الهی

خداوند برای انسان دو حجت قرار داده است یکی حجت باطنی است که همان عقل است که او را دعوت به اطاعت از خداوند و بندگی می نماید و حجت دوم انبیاء و رسل و امامان آنها هستند. حضرت امام کاظم(ع) فرمودند:

۱. راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ج اول، دار القلم- الدار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۹.

۲. انعام: ۱۴۹.

۳. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج چهارم، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۷۶.

۴. دهخدا علی اکبر، لغت نامه دهخدا، بی جا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۱ش، ذیل مدخل حجت.

«یا هشام ان لله على الناس حجّتين حجّة ظاهرة و حجّة باطنه فاما الظاهرة فالرسل و الانبياء و الائمه و اما الباطنة فالعقول^۱» ای هشام خدا بر مردم دو حجت دارد حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امامانند و حجت پنهان عقلهای آنهاست.

به عبارتی می توان حجت های الهی را از نقطه نظری به دو قسم تقسیم کرد: حجت های تکوینی و حجت های تشریحی. حجت های تکوینی نیز به دو قسم تقسیم می شوند. حجت های عمومی و حجت های خصوصی. حجت های عمومی تمام کائنات و موجودات عالم را شامل می شود. مهم ترین حجت خصوصی که تمام حجت های دیگر را نیز شامل می شود عقل است.

حجت های تشریحی نیز شامل انبیا و ائمه (علیهم السلام) و کتب آسمانی است.

پیامبران و اوصیای آنها از این جهت حجت نامیده شده اند که خداوند به وجود آنها بر بندگان خود احتجاج کند و نیز از این جهت که آنها دلیلند بر وجود خدا و گفتار و کردارشان دلیل است بر نیاز مردم به قانون آسمانی.^۲

رسول

«رسول» از ریشه «رسل» مشتق شده است به معنای برانگیخته شدن توأم با آرامش و نرمی. بنابراین رسول یعنی کسی که با آرامش حرکت می کند و عجله در کار او وجود ندارد. و از این واژه گاهی معنی رفق و مدارا از آن تصوّر می شود، می گویند: عَلَي رَسَلِكْ: در وقتی که کسی را

۱. کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی (ط-الاسلامیه)، چ چهارم، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۶.

۲. حسینی دشتی سید مصطفی، معارف و معاریف، چ اول، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۹ ش، ج ۶، ص ۹۰.

به مهربانی و آرامش امر کنی بکار می رود و گاهی فقط در معنی برانگیخته شدن است و واژه - رسول - از آن مشتق شده است و گاهی در باره رسالت و رساندن و تبلیغ زبان بکار می رود.^۱»

«در اصطلاح متکلمین اسلامی، رسول کسی است که خداوند او را نزد خلق فرستد تا احکام خدا را به امت تبلیغ کند. خداوند به رسول بی واسطه بشری، خبر می دهد؛ اعم از اینکه خبر دادن به الهام باشد یا به وحی، در خواب باشد یا بیداری، با رؤیت باشد یا نه. کلمه رسول مکررا در قرآن مجید آمده است که در مواردی مراد وجود مقدس حضرت محمد (ص) و در مواردی هم مراد وجود پیامبرانی چون: نوح، لوط، شعیب، صالح، هود، اسماعیل، موسی، عیسی است که جمیع اینان نزد مسلمین انبیا خوانده می شوند.^۲»

بنابراین رسول به معنی فرستاده شده است. جمع رسول، رسل است و مراد از آن در قرآن مجید اکثرا پیامبران هستند و لی گاهی از آن ملائکه مراد است. مانند آیه هشتاد و یکم سوره هود که می فرماید:

«قَالُوا يَا لَوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلُوا إِلَيْكَ؛ (فرشتگان عذاب) گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم.»

نبی

«نبی از لحاظ لغوی ممکن است دو ریشه داشته باشد:

- ۱- نبأ: به معنای پیام مطلق یا پیام مهم که با توجه به این ریشه معنای نبی «پیام آور یا پیام مهم آور» می شود.

^۱. راغب اصفهانی حسین بن محمد، پیشین، ص ۳۵۲.

^۲. حریری یوسف، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، چ اول، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶.

۲- نبوة: به معنی بلندی و ارجمندی مقام و مکان است. به محل مرتفع در زمین نباوة گفته می شود. بنابراین به جهت رفعت معنوی انبیاء بر دیگر افراد بشر سمت آنها را نبوت خوانده اند.^۱»

«نبی انسانی است که بدون واسطه انسان دیگر از جانب خدا خبر آرد، خواه دارای شریعتی باشد مانند حضرت محمد(ص) یا از خود شریعتی نداشته باشد و شرایع پیش از خود را ابلاغ کند مانند حضرت یحیی(ع). بنابراین فرق میان نبی و رسول آنست که رسول باید دارای شریعت بوده خواه ابتدائی مانند حضرت آدم (ع) یا ناسخ شریعت پیشین مانند حضرت محمد(ص) و در نبی چنین شرطی نیست. و دیگر اینکه نبی کسی است که تکالیف خود را در خواب می بیند و صدا را می شنود و لی ملک آورنده پیام را نمی بیند.^۲»

اما فرق دیگری که بین رسول و نبی وجود دارد این است که به اصطلاح در مفهوم رسالت معنای اضافه‌ای وجود دارد به این معنا که رسول به کسی گفته می‌شد که علاوه بر تلقی وحی از سوی خداوند مأمور ابلاغ آن به انسان‌ها نیز بوده است به عبارت دیگر نبی مفهومی عام و رسول مفهوم خاص است و بین این دو مفهوم از نظر منطقی عموم و خصوص مطلق است.

امام

امامت در لغت

امامت از نظر لغت به معنای رهبری و پیشوایی است :

۱. راغب اصفهانی حسین بن محمد، پیشین، ص ۷۹۰.

۲. حسینی دشتی سید مصطفی، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۲.

«قوم را امامت کرد و بر قوم امامت کرد؛ یعنی بر آنها پیش افتاد، امامت به همین معناست، و امام کسی است که گروهی به او اقتدا کنند؛ اعم از اینکه در راه هدایت باشد یا گمراهی.»^۱

«الإمام: كلُّ من اقتدى به و قدّم في الأمور؛ امام کسی است که به او اقتدا می‌شود، و در امور، پیشوای مردم قرار می‌گیرد.»^۲ واژه امام در قرآن کریم به پنج معنی آمده است:^۳ پیشرو،^۴ نامه^۵، لوح محفوظ،^۶ تورات،^۷ و راه روشن.^۸ و نیز گفته اند: امامت به معنای پیشوایی، رهبری است و هر کس که متصدی رهبری گروهی شود «امام» نامیده می‌شود، خواه در راه حق باشد، یا باطل.^۹

امامت در اصطلاح

امامت در اصطلاح اهل سنت

جرجانی در تعریف امام می‌نویسد: «امام شخصی است که ریاست عام دین و دنیا را دارد».^{۱۰} قاضی عبدالجبار نیز می‌گوید: «امام از نظر شرع، کسی است که بر امت ولایت دارد و در امور آنان تصرف می‌کند؛ آنگونه که بالای دست او دستی نباشد.»^{۱۱} قاضی ایجی در باره شرایط امامت می‌نویسد: جمهور معتقدند که امام باید در اصول و فروع مجتهد باشد تا

۱. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج سوم، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۴

۲. ابن فارس احمد بن فارس، پیشین، ج ۱، ص ۲۸.

۳. جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی، ج دوم، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، بی تا، ص ۴۶

۴. بقره: ۱۲۴.

۵. اسرا: ۷۱.

۶. یس: ۱۲.

۷. احقاف: ۱۳.

۸. فجر: ۱۲.

۹. آلوسی بغدادی سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج اول، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۴.

۱۰. جرجانی سید شریف، التعریفات، بی‌جا، ناصر خسرو، تهران، بی تا، ص ۱۶.

۱۱. اسدآبادی قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، تصحیح سمیر مصطفی رباب، داراحیاء التراث العربی،

بیروت، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۹.